



کتابخانه هوشیرا

مترجم: هوشیرا



کلینر: هوشیرا



تایپيست: هوشیرا



۳

تو یه داستان ارواح
افتادم، با این حال بازم
باید کار کنم



@Hosiralibrary
Hosiralibrary.blogix.ir

با این حال، حرف زدن در
مورد بلایای فراطبیعی
و تاریکی همین الان
احمقانه‌ست.

آروم... اول باید
اعتمادشون رو
جلب کنم.

آدما ذهنیت
جمعی دارن.

پس فقط اگه
یکی-دو نفرشونو
قانع کنم، بقیه هم
قانع میشن.



بذار ببینم.
یکی که کمک
می‌خواد، یا...

...یکی که که
به نظر بتونم
باهاش ارتباط
برقرار کنم...

هوف... این
دیگه چیه؟...

멍
차

!

اینطوری
نیست که یه
داستان ارواح
وی تیوبی
باشه.

پیداش
کردم!

ا
!



اوم، من،
آه...

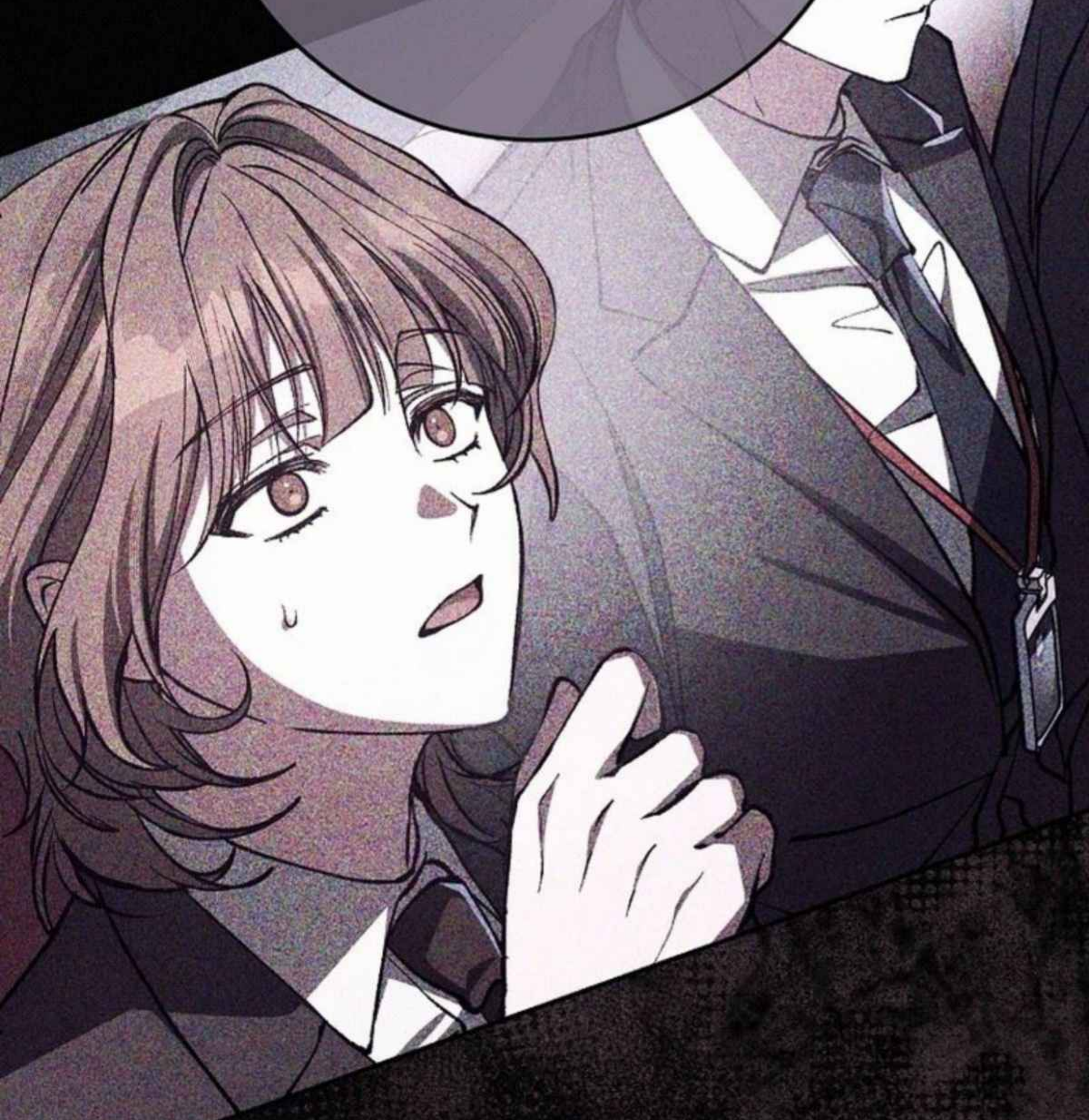
من بعضی وقتا تو
وی تیوب داستان ارواح
می بینم و این وضع
باعث شد بادش
بیوفتم.

میشه در
موردش بیشتر
توضیح بدی؟

چون واضحه که این
موقعیت اصلاً عادی نیست،
فکر کنم بهتره اطلاعاتمونو
به اشتراک بذاریم.

اوه، چیزی نیست
که بشه بهش گفت
اطلاعات... فقط همه چی
شبيه يه داستان ارواح
به نظر می رسه.

اول، سالن
سخنرانی یدفعه
تبدیل شد به
مترو...



و بعد
مردم...



مردن...

مم치!



آه، متاسفم.
حرف زدن در
موردش...



.....

..... نه، منم
همچین حسی
دارم.

با دیدن همچین
اتفاقات دیوونه‌واری،
منم حال خوبی
ندارم.





از یکم پیش
برام سوال شده
بود...

ولی تو پیش
من نشسته بودی،
درسته؟



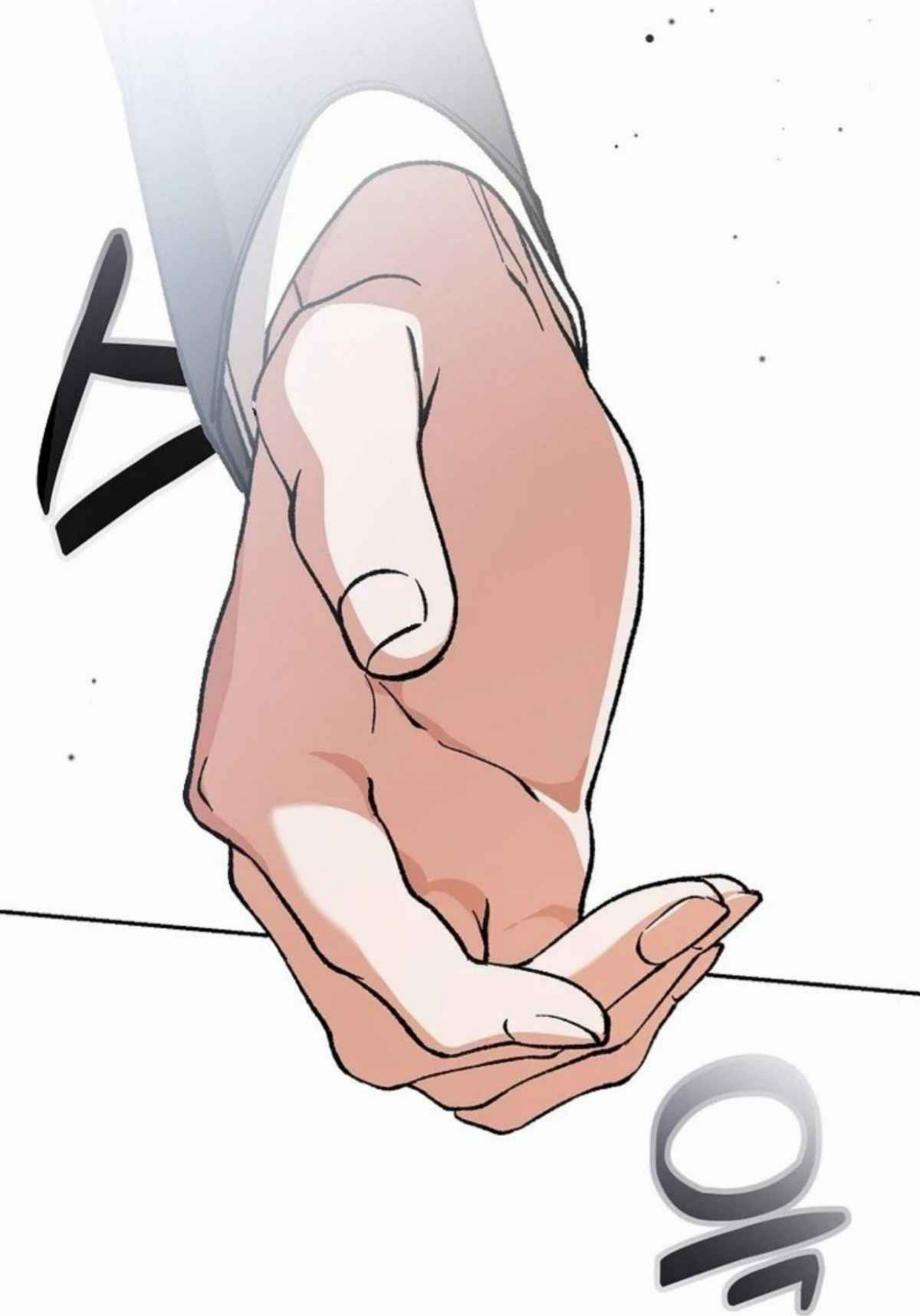
پیش تو؟



آه، حالا که بهش فکر
می‌کنم، اون موقع تو
سالن سخنرانی...

«اونو از کجا
گرفتی؟»





من بك
ساهئونم.



!؟...





نام مستعار: افسی.

این پسره...
بک ساهئوننه؟

؟

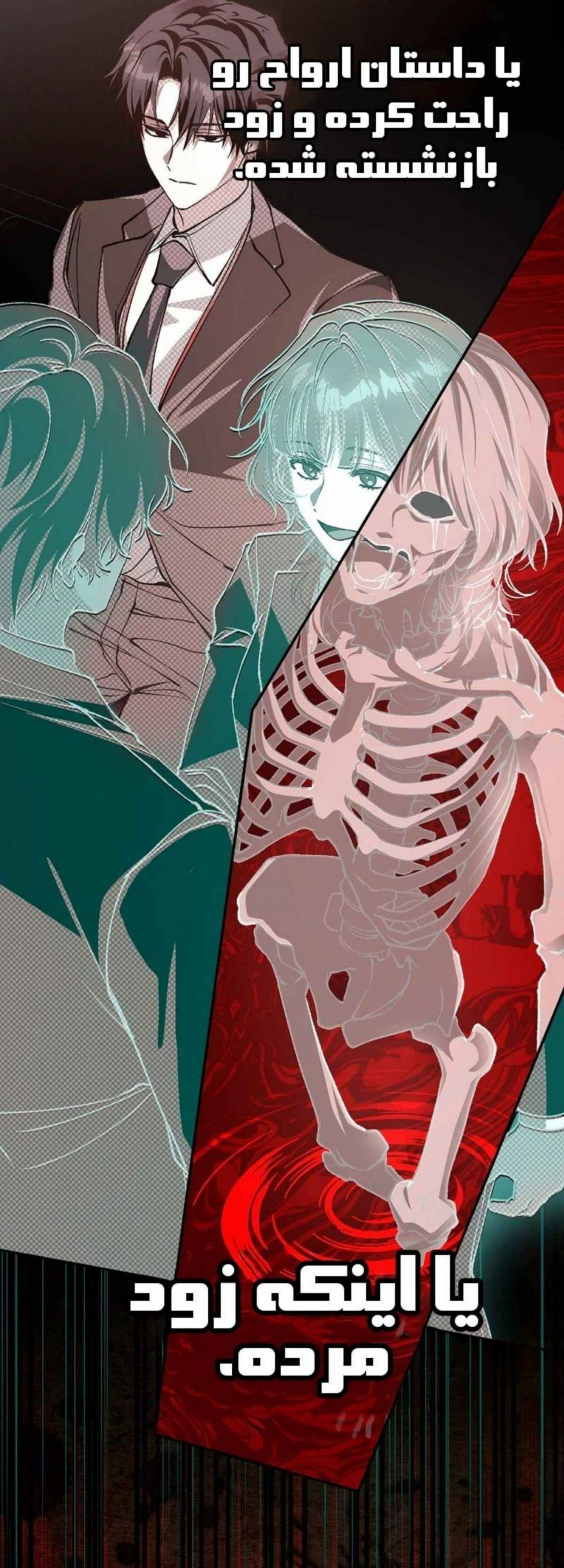
حالا که بحثش شد،
بهتره اول خودمونو
معرفی کنیم.

من گو
یونگ-اونم.



تا حالا
این اسمو
نشنیدم.

شنیدن اسم واقعی به
کارمند که من نمی‌شناسم،
دو معنی داره.



یا اینکه زود
مرده.

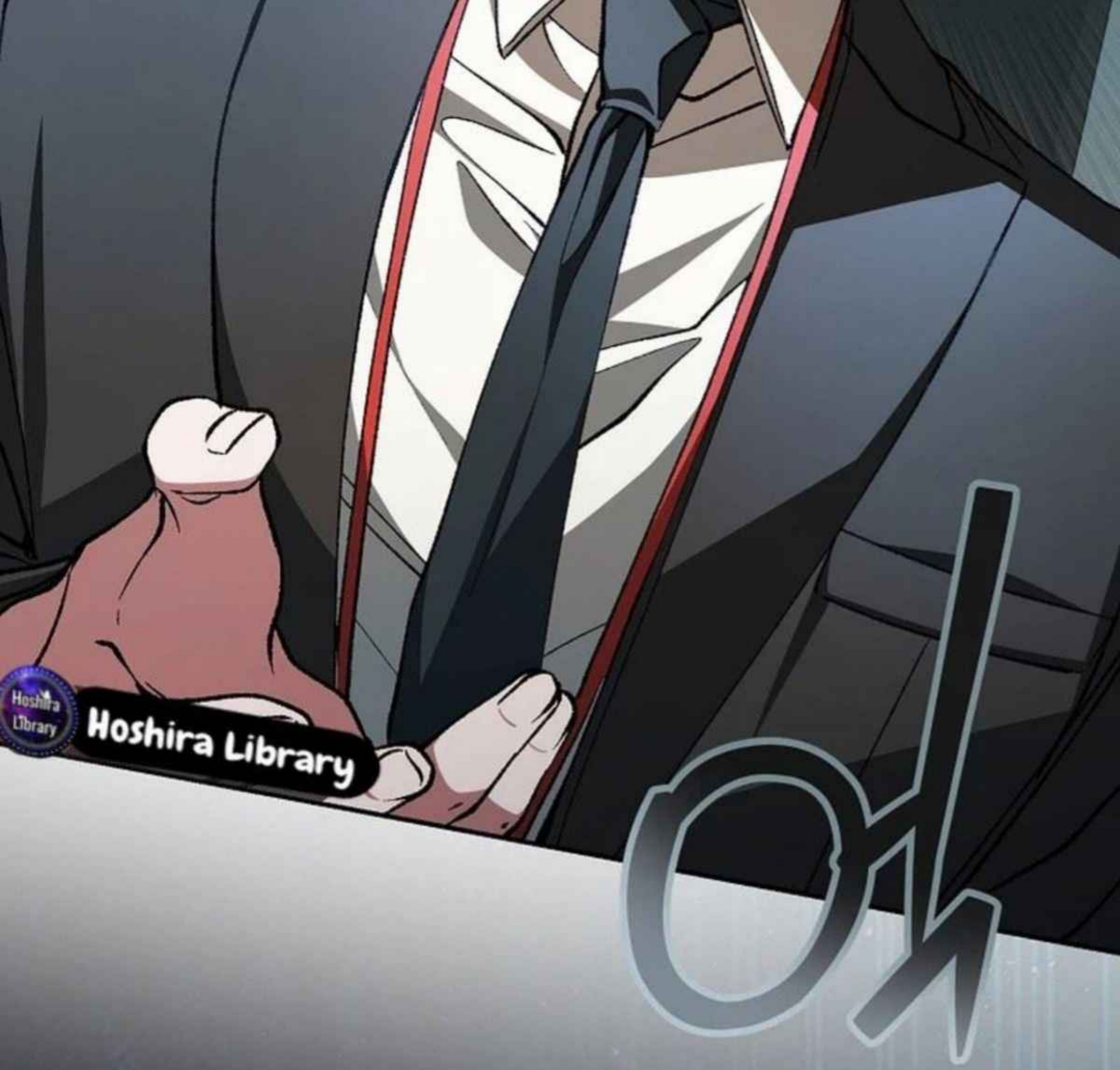
کارمندای معروفی
بودن که فقط لقب یا
اسم رمزشون معلوم
بود.

ولی تو اون موارد،
شخصیتشون انقدر
متفاوته که راحت
تشخیصشون میدم.

لعنت...

...من کیه
سولئومم.





정경

تویہ داستان ارواح
افتادم،
یا این حال یارم باید کار
کنم.

정경



وقتی ما مشغول صحبت
بودیم، جمعیت به دو
گروه تقسیم شدن.

اون
آدما...

به نظر دارن
سعی می کنن
با واگن کناری
صحبت کنن؟

اینطور به
نظر می رسه.

احتمالاً موفق
نمیشن.

چون رفتن به
واگن های کناری
تو این داستان
ارواح ممنوعه.

ک
ر
ج

ک
ر
ج

این ایستگاه
سرخوشی است.

ایستگاه
سرخوشی.

هاه؟



سر خوشی...؟

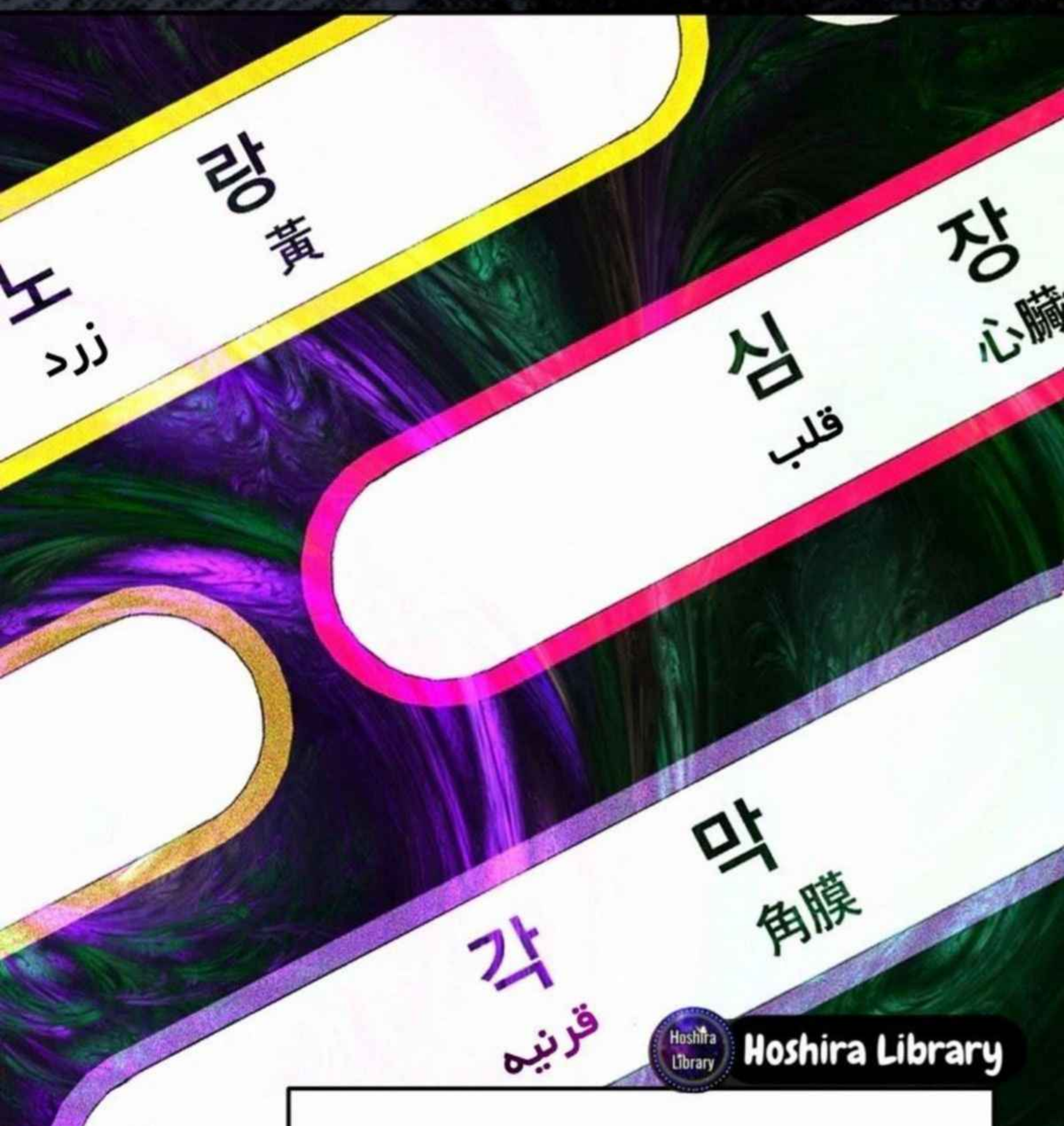
اوم،
«سر خوشی»
خوب به نظر
نمیاد؟

شاید...

نه.

**نباید فکر کنی که
انتخاب ایستگاه درست
برای پیاده شدن انقدر
راحتیه...!**

اول از همه، تم اسم
ایستگاهها هر دفعه
که این داستان ارواح
ظاهر میشه، متفاوته.



برای همین، غیرممکنه که
برای فرار دقیقاً به اسم
ایستگاه رو پیدا کنی.

ولی می‌تونیم
از الگوها ایده
بگیریم.

به سرویس حمل‌ونقل
ایس خوش آمدید.

۳.۲ سوابق اکتشاف [تا شماره ۵۱] ▼

ایستگاه‌هایی به اسم رنگ‌ها، مانند قرمز،
زرد و آبی.



فرار موفقیت آمیز ۲ نفر [اقدام به فرار: ایستگاه آبی]

ایستگاه‌هایی با اسم‌هایی بر اساس
اعضای بدن مانند بازوی چپ، قرنیه یا
قلب...

달팽이관

蝸牛管 حلزونی گوش

فرار شکست خورده [اقدام به فرار: ایستگاه حلزونی گوش]

Hoshira Library

ایستگاه‌هایی با اسم‌هایی بر اساس
سال‌ها مانند ۲۰۰۸، ۲۰۱۲ یا ۲۰۱۶...

2026

2026

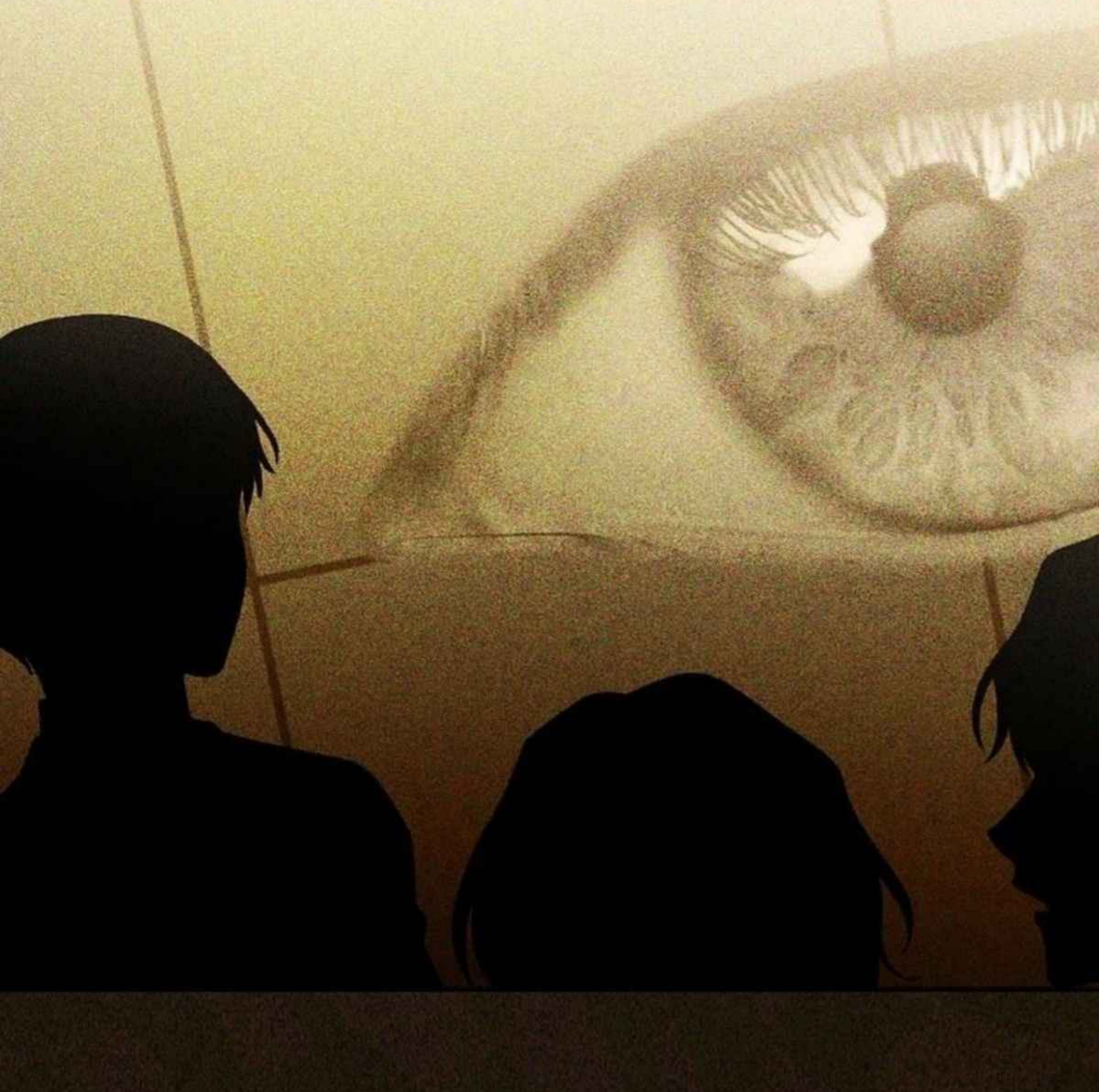
2020

2022

26

فرار شکسته خورده [اقدام به فرار: ایستگاه ۲۰۲۶]

ایستگاه‌هایی بر اساس اسم‌های
قاتلان سریالی مانند ■■■■، ■■■
یا ■■■■...



فرار موفقیت آمیز ۱۲ نفر [اقدام به فرار: ایستگاه

■■■■]

با نگاه به تموم
مثال‌ها تا شماره

۵۶...

معلومه که حس و
حال اسم ایستگاه‌ها
هیچ ربطی به نرخ
فرار نداره.

کاملاً طبیعی به نظر
میاد. بهتر نیست پیاده
باشیم و دنبال یه نفر
بگردیم؟

ولی چرا اینجا
مثل یه ایستگاه
نوساز بالا شهری
تمیزه؟

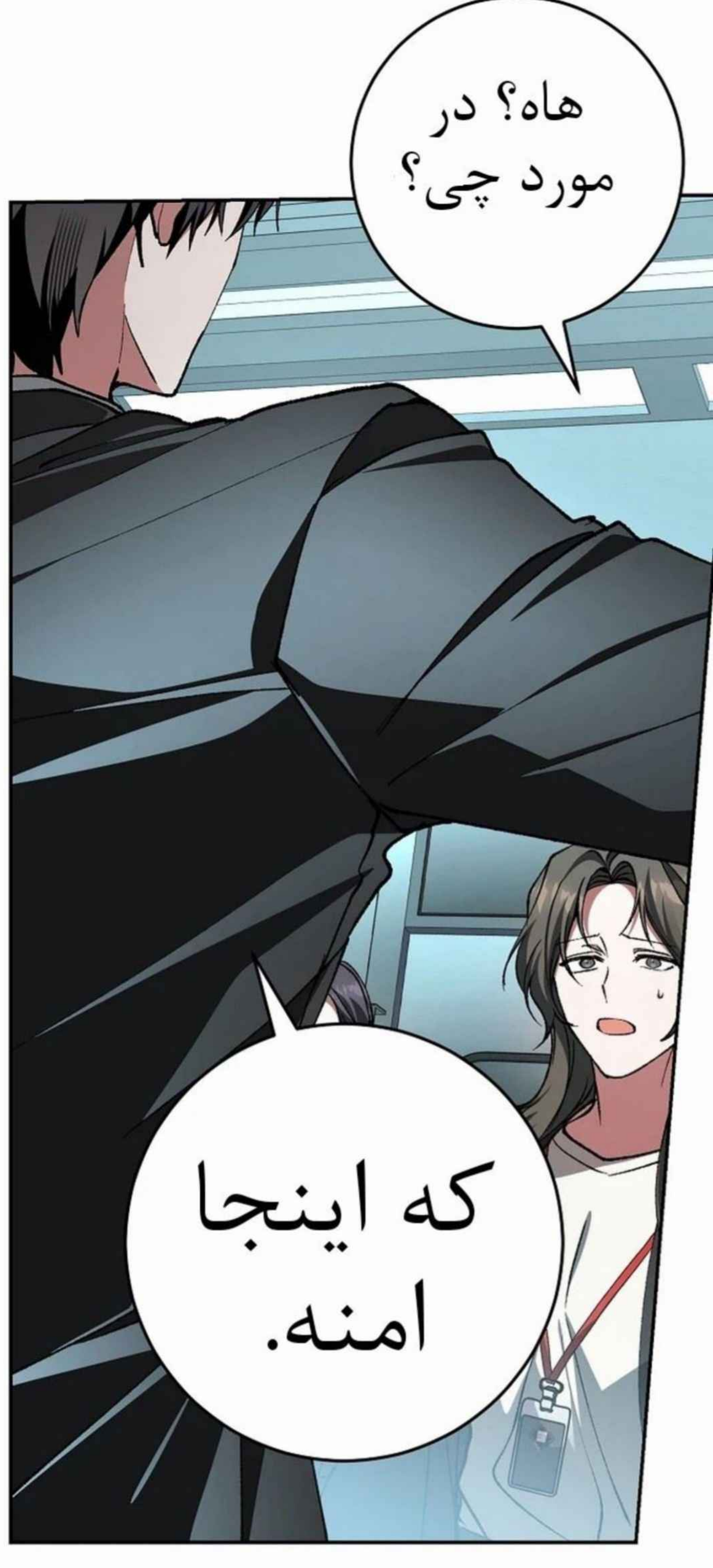
نه!!

**تعداد آدمایی که
قراره باهام پیاده
باشن!!**

**و ثبات ذهنیم که
مجبورم اوت صحنه
رو تماشا کنم!**

لطفاً صبر
کنین.





گمونم اکثرمون موافقیم
که این وضعیت شبیه
یه داستان ارواحه.



ولی چه یه داستان
ارواح باشه و چه یه
فیلم ترسناک...



تا حالا دیدین کسی
که فقط به شانس و
حس خوبش تکیه کرده،
عاقبت خوبی داشته
باشه؟

بدون هیچ دلیل
و استنتاجی...

...می‌خواهین انقدر
راحت رو جونتون
قمار کنید؟

خب...

صبر کن، خودت
چی؟ نکنه به
استنتاج فوق
مستش کردی؟

Oh

Ah

تو فقط یه سری
چیزای رو اعصاب
گفتی...

فقط از سر راه برو
کنار! این پرت و
پرت «استنتاج» رو
تمومش کن...

فکر می‌کنی این
موقعیت شبیه یه
بازیچه؟ کسی بهت
سرنخی چیزی داده؟

درسته،
یه سرنخی
هست.



اطلاعيه ها.



Hoshira Library



!!...

**از همون اول، اطلاعیه‌های
قطار داشتن بهمون می‌گفتن.**

**از اینکه امروز سرویس
حمل‌ونقل ایس رو برای
استفاده انتخاب کردید،
ممنونیم.**

**این قطار در طول مسیر
متوقف نمی‌شود.**

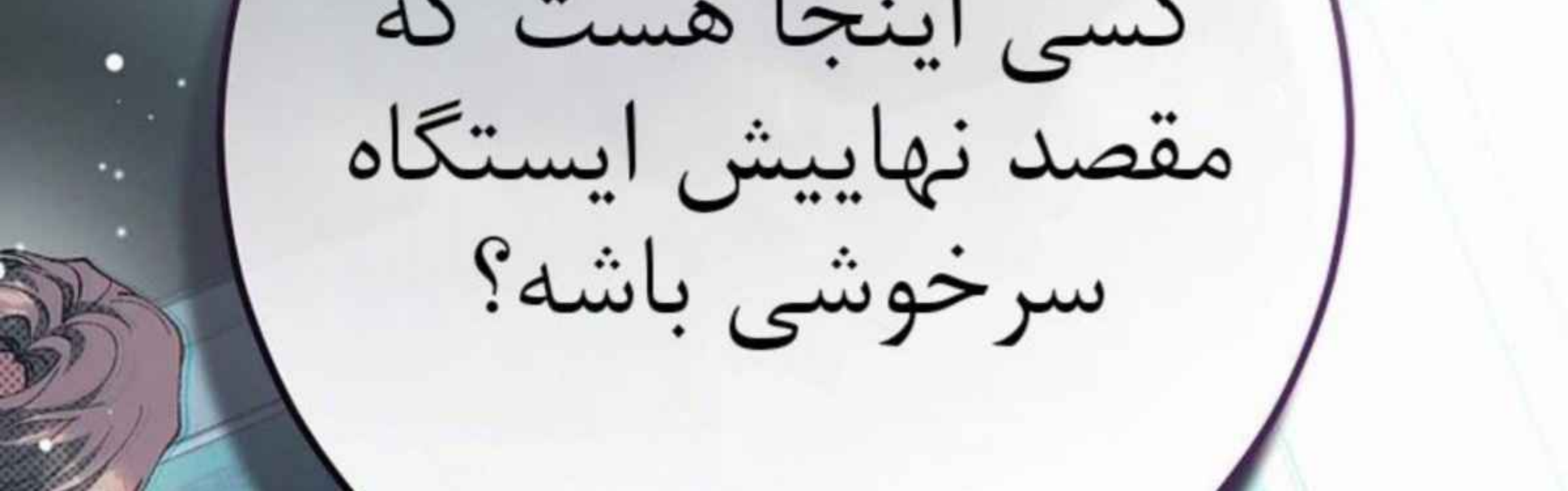
**برای سفری لذت‌بخش تا
مقصد نهایی، لطفاً با دقت
به اطلاعیه‌ها توجه کنید.**

از همون
اول داشتن
واضح بهمون
می‌گفتن.



تا دقت کنیم و
اطلاعیه‌ها رو دنبال
کنیم.

**مسافرانی که مقصد نهایی
آنها ایستگاه سرخوشی است،
باید طبق اطلاعیه پیاده شوند.**



کسی اینجا هست که
مقصد نهاییش ایستگاه
سرخوشی باشه؟



چیز خوبیه،
مگه نه؟

اینکه با سرخوشی
زندگی کنی، زندگی
شاد دلیلی برای...

پس...

مقصد
نهاییتون ایستگاه
سرخوشیه؟

خ-خب...

نه، من-
یعنی...

یکم
زیادی دختالت
نمی کنی؟

اگه به خاطر تو
نتونیم فرار کنیم
مسئولیتشو قبول
می کنی؟

مسئولیتشو

قبول می کنم.



Hoshira Library

Hoshira Library

....

...هاه؟

درها در حال بسته
شدن هستند.



به هر حال
می خواستم باهاشون
فرار کنم.

**این باید کافی
باشه.**



حالا دیگه اگه
جلوشونو بگیرم که
پیاده نشن، کسی از
دستم عصبانی
نمیشه.

اووه، نگاه
کنین!

آدمای واگن
جلویی دارن
پیاده میشن!



!!

حالشون
خوب میشه؟

آهه... واقعاً دلم
نمیخواد باور کنم.

نمیتونم باور
کنم که میبورم
بینم چه اتفاقی
میفته...





هاه؟



ط-طلا...؟



ب-بدنم داره
ذ-ذوب میشه!

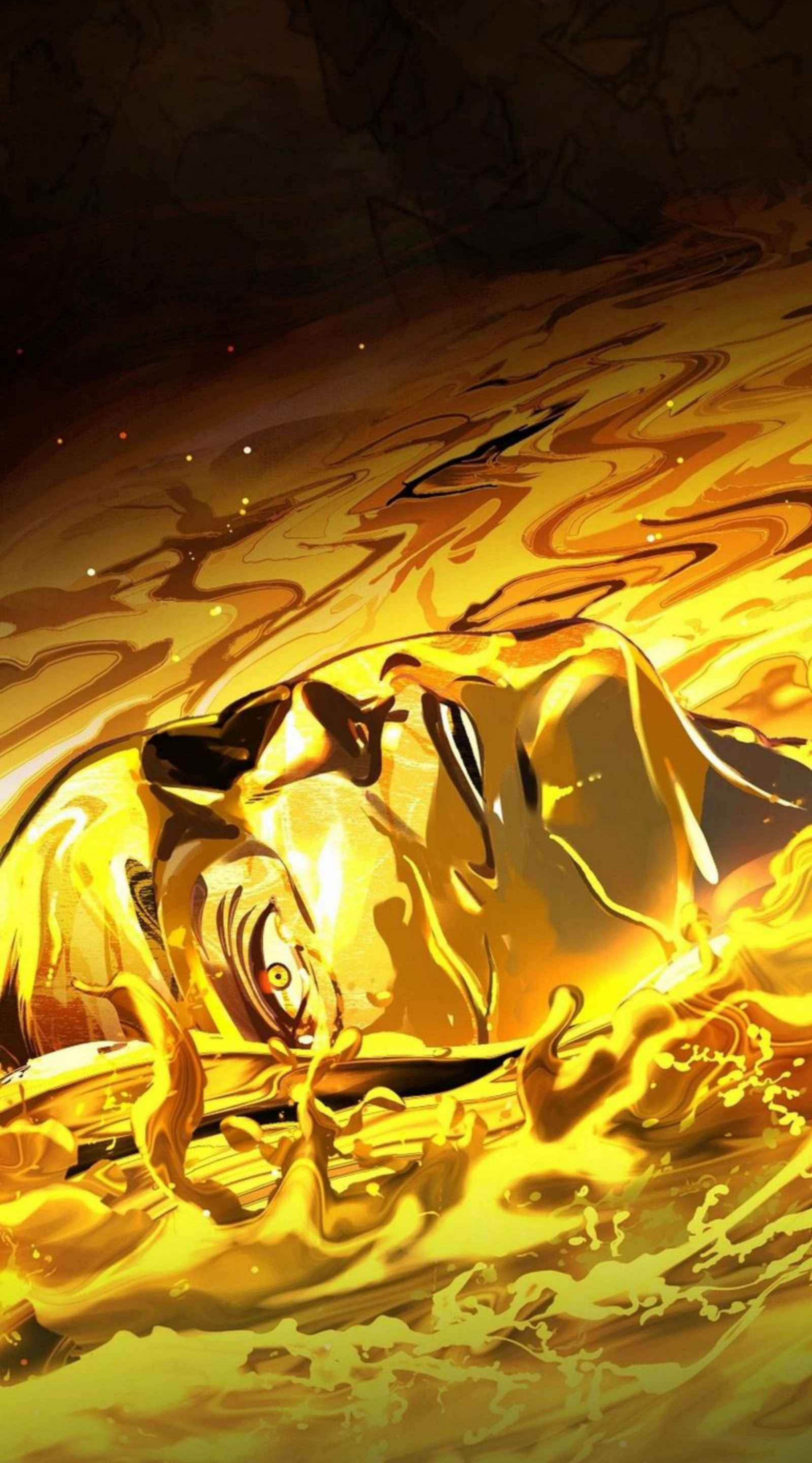
شکر

ااااا!!

نجاتم
بدین!!

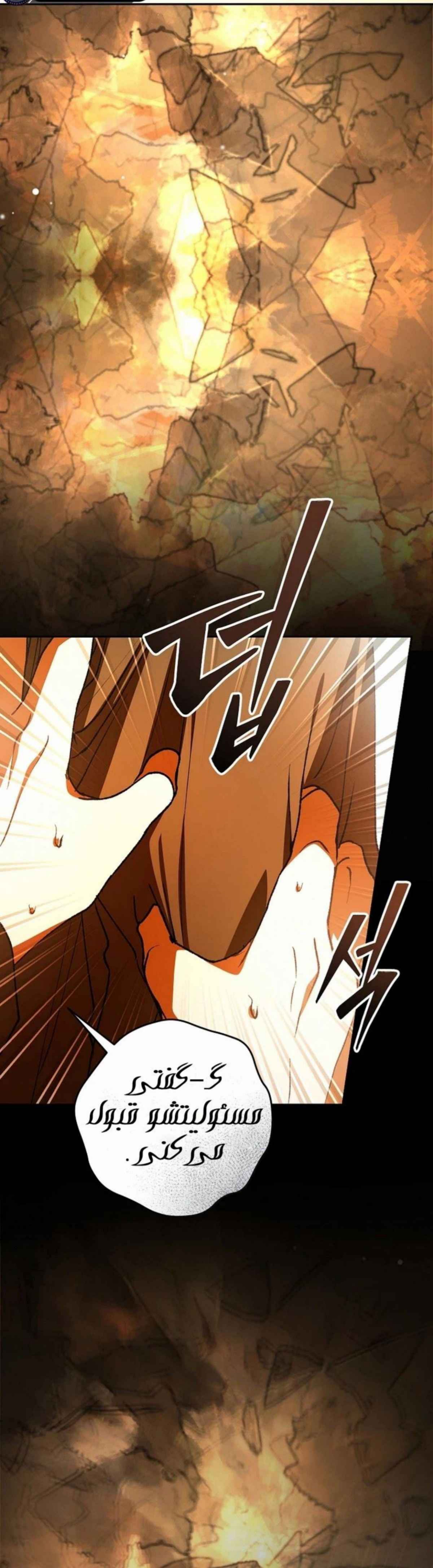
نجات





قطار در حال ترک
ایستگاه سرخوشی
است...





گ- گفتی
مسئولیتشو قبول
میری کنی.

تو واقعاً می‌تونی
تفصیل کنی که یه
ایستگاه آهن پیدا
می‌کنیم، درست؟

بله.

نمی‌دونم با کدوم
منطقه به این نتیجه
رسیدن که من جوابو
می‌دونم، ولی...

...پاهام دارن
می‌لرزن. این تنها
جوابیه که می‌تونم
به زبون بیارم.

دیگه طاقتم
تموم شده.

شما
فوق العاده‌ای،
آقا.

؟

... آقا؟

نکته: یدفعه مودبانه حرف
می‌زنه.

این روزا سخت
میشه کسی مثل
شما پیدا کرد.

از اونجایی که خیلی
اعتماد به نفس دارین،
امیدوارم نتایج خوبی
بگیرین.



...بک ساهئون.

ایستگاهی
هست که دلت
بخواد پیاده
بشی؟

اوه، یه سوال
یدفعه‌ای؟

نه واقعاً. از این
چیزا زیاد سر
در نمیارم.

این حقیقت که بک
ساهئون به عنوان یه
کارمند کار کرده، به این
معنی که آزمون ورودی
رو قبول شده.

هنوز حس به
خصوصی بهش
دست نداده؟

فعلاً، بهتره
حواسم بهش
باشه.

قابل توجه مسافران، از
آنجایی که قطار در حال
گذر از یک بخش پر پیچ و خم
است، ممکن است سروصدا
و لرزش به وجود آید.

لطفاً محکم بنشینید
تا از هر گونه حادثه‌ای
جلوگیری شود.

همه بیاین
بنشینیم.



اوه! واگن
جلویی!

فکر کنم
دعواشون شده!
چی کنیم...!؟



ولی
اطلاعیه بهمون
بشینیم...!

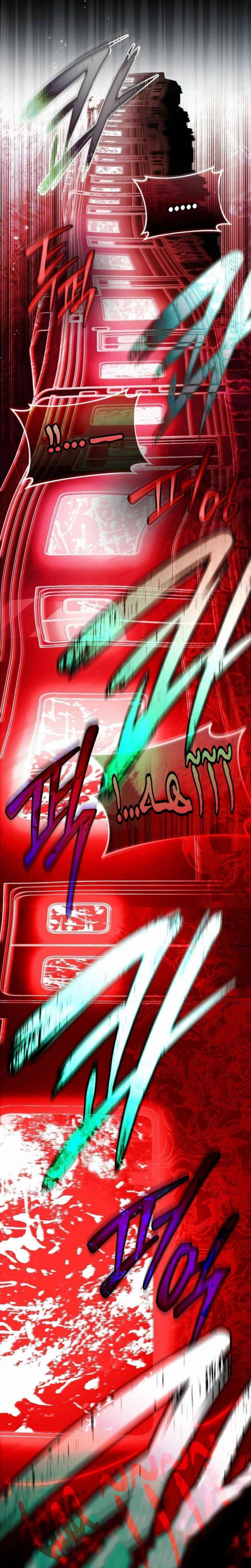
ن-نباید به
چیزی بگیم؟

هی! صدامو
میشنوین؟
بشینین!!

فیلی دیر
شده...

در حال ورود به بخش
پر پیچ و خم هستیم...







هم اکنون
ایستادن امن
است.

از همراهی شما
بسیار سپاسگزاریم.

Hoshira
Library

Hoshira Library

>-> درست
همونطوری شد
که اطلاعات
گفت...!!

دیگه نمی‌تونم!
بذارید از اینجا برم!!



این نشون میده که
اطلاعیها واقعا مرز
مرگ و زندگیمون رو
تعیین می‌کنن.

اوضاع جوری پیش میره
که کمکم می‌کنه زنده
بعونم، ولی این اتفاقات
خیلی وحشتناکن...



بیا فقط روی قانع
کردنشون تمرکز کنیم.
فقط روی قانع کردن...

قابل توجه مسافران. این
اطلاعیهای از طرف سرویس
حمل و نقل ابیس است.

دوباره؟!

هتلا...



VORTEXSCANS.COM

**یک دارایی گم
شده است.**

**اگه دارایی گمشده
را پیدا کردید، لطفاً
در ایستگاه بعدی
پیاده شوید...**

**و دارایی گمشده را
به کارکنان ایستگاه
تحويل دهید.**

...یه راه فرار
از بقیه سوابق
فرار!

تا وقتی که دارایی
گم شده تو اطلاعاتیه رو
داشته باشی، می‌تونی
فقدار کنی.

دارایی
گم شده...



Hoshira Library

متعلق به یک
مرد در دهه ۲۰
سالگی...



...با گروه
خونی آ...



Hoshira Library

...یک چشم
چپ است.



کتابخانه هوشیرا

HOSHIRA LIBRARY



@Hosiralibrary



Hosiralibrary.blogix.ir

